

جایگاه پژوهش

در

فرایند توسعه اجتماعی

نویسنده: عبدالمجید ارفعی مقدم

دانشگاه تربیت معلم سبزوار

مقدمه

در این مقاله، تأثیرات شاخصهای پژوهشی بر شاخصهای رفاه اجتماعی (پنج شاخص عمده) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در واقع این مقاله حاصل کار یک طرح تحقیقاتی است و جایگاه پژوهش را در توسعه اجتماعی بررسی می‌کند. (گزارش شهرک علمی - تحقیقاتی اصفهان، ۱۳۷۲)

در چند دهه اخیر، تحقیقات علمی - فناوری و تولید از فعالیتهای غیرقابل انکار در توسعه ملی هستند. توسعه و پیشرفت علم در جوامع مولد، به تولید محصولات و پیدایی فناوریهای نو منجر شده و این امر خود چشم انداز جدیدی از تحقیقات علمی پیشرفته تر را به ارمغان آورده است.

بررسی پیشرفتهای علمی کشورها حاکی از آن است که علوم فقط از طریق آموزش به دست نمی‌آیند؛ بلکه تحقیق در تولید و اشاعه علوم نقش مؤثری دارد و کشورهایی که تحقیقات اصیل و مستقلی ندارند از توسعه و رشد درونزا نیز برخوردار نیستند.

این امر کاملاً بدیهی است که تحقیقات در ایجاد ارزش افزوده کلان اقتصادی، تولید علمی، تولید صنعتی، خودکفایی، درآمدهای سرانه، تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، اشاعه علم و فرهنگ دانش و به طور کلی توسعه ملی کشور در ابعاد مختلف آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. نقش پژوهش علمی را به منزله سازوکار مؤثر و تعیین کننده در توسعه ملی نمی‌توان کم اهمیت تلقی کرد. تأثیر گذاری پژوهشهای علمی در ابعاد مختلف آن، تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه ای بر سایر متغیرهای اقتصادی از جمله فقر، بیکاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، ساخت تولید، سرمایه گذاری و پس انداز و ثروت ملل باعث بهبود وضعیتهای اقتصادی می‌شود. گسترش این توسعه به بهبود شاخصهای اجتماعی نظیر آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین و امنیت اجتماعی شغل و ... غیره منجر می‌شود؛

یعنی می‌توان گفت توسعه و توسعه یافتگی ناشی از رشد علم و تحقیقات، تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه بهبود شاخصهای اقتصادی و اجتماعی به معنای تأمین نیازهای اساسی، احساس اعتماد به نفس، شخصیت مستحکم و باثبات، رهایی از تنشهای اجتماعی و واکنشهای عصبی و روانی و در معنای واقعی تر آن رفاه اجتماعی و اقتصادی را برای افراد جامعه فراهم می‌کند. حتی در روحیات، اعتقادات و ارزشها و به طور کلی هنجارها (گفتارها و رفتارها) تأثیر مثبت گذاشته و باعث تحول و پیشرفت می‌شود (گزارش شهرک علمی - تحقیقاتی اصفهان، ۱۳۷۲).

پرداختن به مسئله رفاه، در واقع کوششی است در جهت توسعه و پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی. در واقع مطالعات مربوط به رفاه از دو دیدگاه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه است. در چارچوب اقتصادی رفاه، هدف تحلیلگران اقتصادی و رفاه، سنجش چگونگی وضع و سطح رفاه اقتصادی و یافتن راههایی برای افزایش و بهبود بخشیدن به آن وضع یا سطح است.

از طرف دیگر مطالعات مربوط به رفاه، می‌کوشد تا جنبه‌های اجتماعی مسئله رفاه را مشخص کند. بررسی رفاه اجتماعی به صورت یک پدیده کلی و در حد یک سیستم، مجموعه عناصر، اجزا و پارامترهای آن را مشخص می‌کند و معیارهایی را که جهت سنجش سطح رفاه اجتماعی به کار می‌برند، معلوم و آشکار می‌سازد.

از نظر مکتب رفاه اجتماعی و اقتصادی این نکته بسیار حائز اهمیت است که به هر یک از افراد جامعه، چه میزان از درآمدهای ملی تعلق می‌گیرد. این درآمد (ملی) و توزیع آن در سطح جامعه (درآمد سرانه) با توجه به عدالت اجتماعی اهمیت و معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل اهداف اصلی هر جامعه در برنامه ریزیها و سیاست گذاریهای اقتصادی و اجتماعی بر پایه سرمایه گذاری و

رشد اقتصادی، افزایش درآمدهای ملی و توزیع متعادلتر کالاها و خدمات میان گروه‌های مختلف جامعه استوار است. این توزیع درآمدها در کسب امکانات مناسب و مفید از جمله آموزش، بهداشت و درمان، مسکن، امنیت و تأمین اجتماعی (در دوران بازنشستگی و از کارافتادگی)، دارا بودن شغل مناسب و مفید، کسب درآمدهای بالا، و در واقع بهبود و بهسازی سطح کیفی زندگی اجتماعی افراد است (اسکویی).

اما نقش پژوهش در چگونگی توزیع درآمدها از یک دیدگاه با تئوری سرمایه انسانی محقق و پژوهشگر مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. نقش محوری محققان و پژوهشگران در خلق آخرین دستاوردهای علمی و تحقیقاتی (اختراعات و نوآوریها) در فضاهای فعالیتهای پژوهشی به کار گرفته می‌شود، زمینه رشد و توسعه همه‌جانبه را فراهم می‌کند و تغییرات بنیادی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور به وجود می‌آورد.

کسب درآمدهای بالای ملی که بخشی از آن ناشی از دستاوردهای علمی محققان و پژوهشگران است، در توزیع هرچه بیشتر رشد اقتصادی و برخورداری از سطوح مناسب رفاه

اجتماعی (شاخصهای عمده اجتماعی) تأثیرات به‌سزایی را برای افراد جامعه فراهم می‌کند.

به همین دلیل از دیدگاه اجتماعی، در تحقیق فوق به شاخصهای عمده آن یعنی میزان سرمایه‌گذاری دولتها در امر آموزش، بهداشت و درمان، مسکن، تأمین و امنیت اجتماعی و میزان اشتغال در جامعه توجه شده است و تأثیر شاخصهای پژوهشی را در فرایند توسعه اجتماعی تبیین و تحلیل می‌کند.

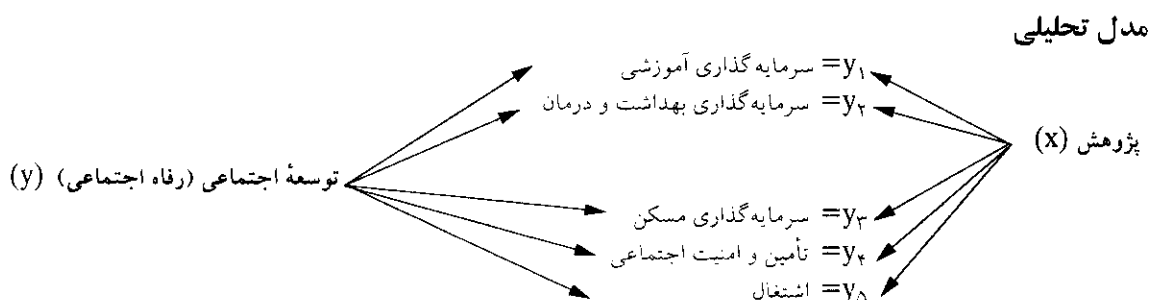
فرضیه‌های تحقیق

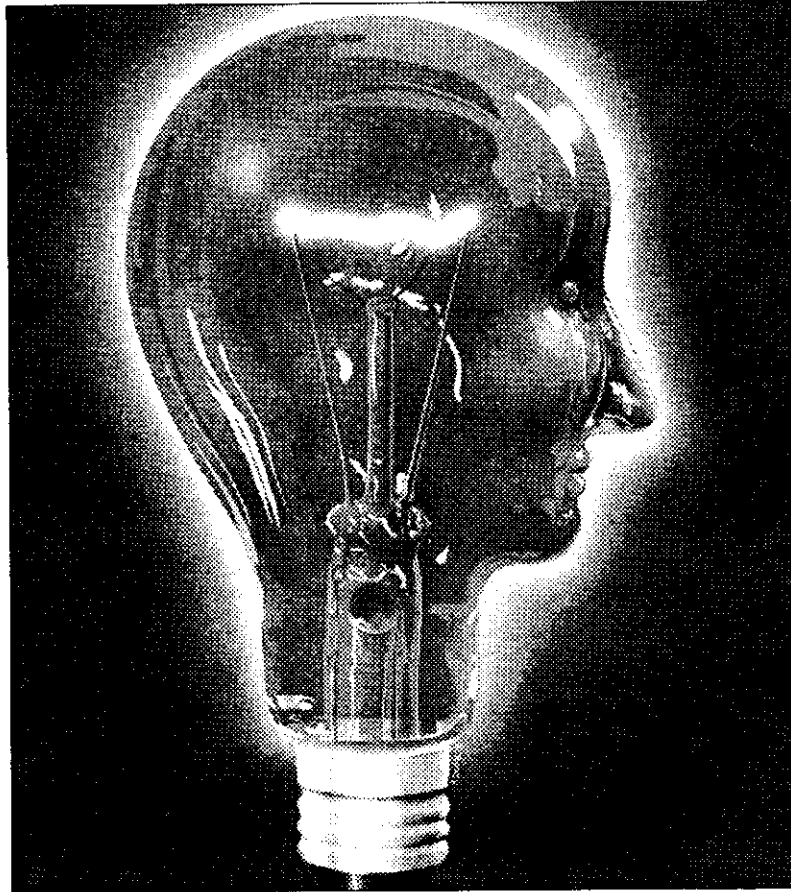
هرچه سطح کمی و کیفی پژوهش رسمی کشور بیشتر باشد توسعه اجتماعی (سطح رفاه اجتماعی) آن کشور بیشتر است. با توجه به ماهیت و موضوع تحقیق و به منظور تبیین آن، فرضیه فوق به شش فرضیه فرعی تقسیم می‌شود:

۱. بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری آموزشی آن رابطه معنادار وجود دارد؛
۲. بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری بهداشت و درمان رابطه معنادار وجود دارد؛
۳. بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری

شمایی کلی از مفاهیم، متغیرها و شاخصها (گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۷)

شاخصها	مفاهیم و متغیرها
$X_1 =$ تعداد پژوهشگران $X_2 =$ سرمایه‌گذاری پژوهشی (سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی) $X_3 =$ هزینه‌های تحقیق و توسعه $X_4 =$ اختراعات و نوآوریها (به عنوان بازده پژوهشی)	پژوهش متغیر مستقل (X)
$y_1 =$ سرمایه‌گذاری آموزشی (هزینه‌های عمومی دولت) $y_2 =$ سرمایه‌گذاری بهداشت و درمان (هزینه‌های عمومی دولت) $y_3 =$ سرمایه‌گذاری مسکن (هزینه‌های عمومی دولت) $y_4 =$ سرمایه‌گذاری تأمین و امنیت اجتماعی (هزینه‌های عمومی دولت) $y_5 =$ اشتغال	توسعه اجتماعی (y) متغیر وابسته





مسکن رابطه معنادار وجود دارد؛

۴. بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه گذاری تأمین و امنیت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد؛
۵. بین پژوهش رسمی یک کشور با سطح اشتغال آن جامعه ارتباط معنادار وجود دارد؛
۶. بین میزان اختراعات و نوآوریها (بازده پژوهشی) با میزان اشتغال در آن جامعه رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی (بررسی وضعیت موجود) است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی (روش تطبیقی - طولی) و تحلیل داده‌های ثانویه به انجام می‌رسد. مقطع زمانی تحقیق فوق سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ است.

جامعه آماری این تحقیق را تمامی کشورهای مختلف جهان (۱۷۵ کشور) تشکیل می‌دهند، و حجم نمونه ۴۰ کشور است که به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. این کشورها به دو گروه تقسیم شده‌اند: کشورهای در حال رشد (۲۰ کشور) و کشورهای پیشرفته (۲۰ کشور) که براساس درآمد سرانه واقعی (PPP) و شاخص توسعه انسانی این تقسیم‌بندی صورت می‌گیرد.

با توجه به ماهیت تحقیق، از تحلیل رگرسیون چند متغیره و دو متغیره، و ضرایب t ، برای تبیین و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۷۲).

مفاهیم و شاخصهای اجتماعی

الف. سرمایه گذاری آموزشی: امروزه آموزش به منزله یکی از اجزای فرایند توسعه به‌شمار می‌آید. مردم عاداتهای فکری، رفتارها و گفتارها، شیوه‌های کار، عاداتهای تغذیه و بهداشت خود را تنها در صورتی تغییر خواهند داد که دلیل و ضرورت این تغییر را درک کنند و بدانند که چه منافعی برای آنها در برخواهد داشت. به همین دلیل است که آموزش همواره دستاورد روشنگری به همراه دارد و تمایل به تغییر در رفتار، گفتار و هنجارهای فردی و اجتماعی، همواره، در پناه یادگیری و درک و فهم دانش است. به عبارتی این شاخص از جانب دولتها به منزله معیاری برای ارزیابی و سنجش سطح رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

نکته دیگری که در خصوص رابطه آموزش با رفاه اجتماعی باید گفت آن است که اگرچه فلسفه وجودی آموزش برپایه اقتصادی قرار ندارد ولی در چارچوب رفاه و آثار اقتصادی آموزشی مورد توجه است. به همین علت است که آموزش را به

منابۀ کالایی سرمایه‌ای مورد توجه قرار می‌دهند (ساخاروپولوس، ۱۳۷۲).

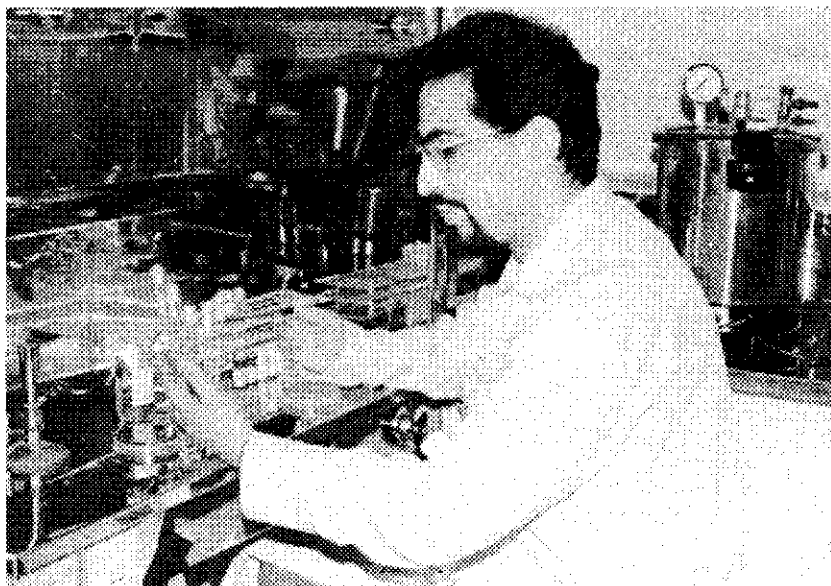
گزارش توسعه انسانی سازمان ملل ۱۹۹۷، نشان می‌دهد که کشورهای در حال رشد بخش قابل توجهی از هزینه‌های عمومی خود را صرف سرمایه‌گذاری آموزشی می‌نمایند. به‌طوری‌که کشورهای سنگاپور (۲۴/۸ درصد)، کره جنوبی (۲۰/۲ درصد)، کاستاریکا (۲۲/۹ درصد)، تایلند (۲۱/۱ درصد)، مالزی (۲۱/۸ درصد)، بوتسوانا (۲۰/۳ درصد)، پاناما (۲۰/۲ درصد) بیشترین سهم را در امر آموزش هزینه نموده‌اند (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۱۳۷۲).

این امر (سرمایه‌گذاری آموزشی) در فرایند اقتصادی و اجتماعی جامعه اثر کاهنده‌ای بر نابسانانیهای جامعه خواهد داشت و باعث بالا بردن قدرت درک عمومی و آگاه‌سازی مردم در برخورداری از سطوح مختلف رفاه اجتماعی (بهداشت، درآمد، شغل و ...) می‌شود. زیرا آگاه شدن افراد به مسائل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و قضایی، زمینه رشد را در برخورداری از رفاه اجتماعی مطلوبتر فراهم می‌کند.

نکته قابل ذکر دیگر این است که آموزش علاوه بر تقویت و تعالی فکر و اندیشه که همواره باعث آگاهی و شناخت از مسائل اساسی زندگی و حرفه خود در محیطهای اجتماعی می‌گردد، روح و روان انسانها را تغذیه می‌کند و وسیله‌ای برای بالا بردن سطح کیفی زندگی افراد و برخورداری از رفاه اجتماعی مناسب و ازدیاد درآمد در جامعه است. در حقیقت عامل تحرک، پویایی و ارتقای اجتماعی برای دستیابی به هدفهای سازندگی و بهزیستی به شمار می‌آید. به همین علت است که آموزش در برنامه‌های رشد ملی، رکن اساسی و مکمل بخشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه شناخته شده است.

ب. سرمایه‌گذاری بهداشت و درمان: دانشمندان فعال در زمینه اقتصادی و اجتماعی معتقدند که حفظ رعایت بهداشت و درمان نه فقط در بهبود زندگی فردی مؤثر است، بلکه نتایج اقتصادی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را در بر دارد. از این‌رو هرگونه سرمایه‌گذاری و هزینه‌های انجام شده در این زمینه (تجهیز امکانات بهداشت و درمان) به منزله نوعی سرمایه‌گذاری در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و بهبود منابع انسانی جامعه است که علاوه بر تقویت و افزایش قدرت کارایی انسانها، باعث توانایی جسمی و روحی آنها و تبدیل آنان به افراد کارآمد، مفید و مولد در جامعه می‌گردد و همچنین باعث بهره‌برداری صحیح به منظور بالابردن توانایی آنان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت توسعه می‌شود (رهیافت، ش ۱۲).

همچنین گسترش خدمات درمانی یکی از ابزارهای مهم در تمهیم عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر درآمدها به‌شمار می‌رود. بنابراین پیشگیری از بیماریها و فراهم آوردن امکانات بهداشت محیط، تغذیه مناسب و سایر برنامه‌ها با تدوین برنامه‌ریزی مدون و صحیح، تأثیر به‌سزایی در بالا بردن نیروی جسمی، فکری و روانی افراد و افزایش درآمد فردی و ملی و رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی، خواهد داشت. نکته قابل توجه آن است که شاخص بهداشت و درمان را با شاخصهایی نظیر آموزش بالا و درآمد مکفی افراد جامعه باید مرتبط دانست تا علاوه بر بالابردن قوه درک عمومی، در استفاده صحیح و مناسب از امکانات بهداشت و درمان کشور، در سلامتی خود و افراد جامعه مؤثر واقع شود که این امر مستلزم فراگیری آموزش لازم در زمینه پزشکی است. از طرف دیگر دولتها در امر برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی به توسعه کمی و کیفی خدمات درمانی توجه دارند که این امر از طریق بهبود تغذیه، گسترش کلینیکها و مراکز



درمانی و بهداشتی، برنامه‌ریزی تنظیم خانواده، طرح‌های بیمه‌های اجتماعی، توان‌بخشی افراد معلول، تربیت نیروی متخصص (پزشک، پرستار و ...) به همراه مدیریت صحیح و عقلانی بر ساختار نظام پزشکی کشور حاصل می‌گردد تا در زمانی سریعتر، مطلوبتر و کاملتر خدمات پزشکی را در دسترس افراد جامعه قرار داده و سلامتی و تندرستی آنها را تضمین کند (اسکویی).

نگاهی به وضعیت کشورهای مختلف جهان (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۷) در خصوص هزینه‌های عمومی (دولتی) در امر بهداشت و درمان، در مقطع زمانی ۱۹۹۲-۹۵ حاکی از آن است که ایالات متحده آمریکا (با ۱۸/۳ درصد)، آلمان (۱۶/۸ درصد)، فرانسه (۱۵/۵ درصد)، ژاپن (۱۵/۶ درصد) بیشترین هزینه‌ها را در امر بهداشت و درمان داشته‌اند.

در حالی که در میان کشورهای در حال رشد، کاستاریکا (۲۰/۵ درصد)، پاناما (۲۰ درصد)، باهاما (۱۴/۶ درصد) بیشترین سهم را در هزینه‌های عمومی بهداشت و درمان کشور خود داشته‌اند و ایران ۸/۹ درصد از هزینه‌های عمومی را به این امر اختصاص داده است (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۷).

ج. سرمایه‌گذاری مسکن: از معیارهای مهم برای سنجش و ارزیابی سطح رفاه اجتماعی که مورد توجه دانشمندان اقتصادی و اجتماعی است، شاخص مسکن است. این شاخص هرچند پس از تغذیه و پوشاک قرار می‌گیرد ولی فراهم آوردن مسکن مناسب برای افراد جامعه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که وجود سرپناهی برای افراد جامعه، تأثیری شگرف در شیوه زندگی، هنجارها و گفتارهای اخلاقی و معنوی، پرورش و تربیت صحیح کودکان، سلامت خانواده و ... سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه به شمار می‌آید. نقش مسکن در بهداشت و سلامتی روحی و روانی خانواده و انطباق و سازگاری انسانها با محیط اجتماعی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مسکن مکانی برای مهر و الفت اعضای خانواده، تعلیم و تربیت و محل آسایش و استراحت است که رشد شخصیت سالم، مفید و کارآمد و استقلال افراد را تضمین می‌کند و هم محلی برای آشنا کردن فرد با زندگی گروهی و اجتماعی است که پاسخگوی نیازهای مختلف خانواده‌ها و افراد جامعه است (اسکویی). به همین علت دولتها بخشی از درآمدهای ملی خود را صرف سرمایه‌گذاری در امر مسکن می‌کنند.

نکته حائز اهمیت آنکه برخورداری از مسکن مناسب و دارا بودن حداقل تسهیلات رفاهی و بهداشت، تأثیر شگرفی بر سلامتی جسم و روح افراد جامعه می‌گذارد و مسائل و مشکلات بسیاری از جمله ناسازگاری، بیماریهای عصبی و روانی، بیماریهای انگلی و عفونی را خصوصاً در کودکان و کاهش طول عمر و توانایی جسمانی افراد را به حداقل می‌رساند.

بخش قابل توجهی از جمعیت کشورهای در حال رشد به لحاظ مسکن وضعیت اسفبار و رقت‌انگیزی دارند که از یک سو افزایش جمعیت خانواده، عرضه کم واحدهای مسکن، مهاجرت‌های روستایی به شهرها، تورم اقتصادی و ... سبب

اختصاص درصد قابل توجهی از درآمد خانواده‌ها به اجاره مسکن می‌شود و از سوی دیگر کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی در این مسکنها از جمله اتاقهای کم، فقدان تجهیزات بهداشتی و روشنایی ضعیف، هوای نامطبوع و ... به همراه تراکم و انبوه جمعیت خانواده از معایب و مشکلات مسکن در کشورهای در حال رشد است (رهیافت، ش ۱۲).

بنابراین بهبود وضعیت مسکن تأثیر به‌سزایی در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد و روند آن را توسعه خواهد داد. در میان کشورهای پیشرفته (صنعتی) کشور ژاپن (۱۳/۸ درصد) و سوئد (۵/۴ درصد) در مقطع زمانی ۱۹۹۲-۹۵ بیشترین سرمایه‌گذاری را در امر مسکن داشته‌اند. حال آنکه کشور سنگاپور ۷ درصد، مالزی ۶/۱ درصد، بوتسوانا ۱۳/۵ درصد و دومینیک ۱۴/۹ درصد از هزینه‌های عمومی خود را به امر مسکن اختصاص داده‌اند (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۷).

د. تأمین و امنیت اجتماعی: واژه تأمین اجتماعی، اغلب مترادف با رفاه اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی و همراه با خدمات اجتماعی به کار می‌رود. تأمین اجتماعی را یک سلسله اقدامات جهت ایجاد امنیت فکری انسانها تعبیر و تعریف کرده‌اند.

سِر ویلیام بوریج یکی از صاحب‌نظران، تأمین اجتماعی را مبین تأمین درآمدی می‌داند که به هنگام قطع درآمد به عللی از قبیل بیکاری، بیماری یا حادثه، جایگزین آن می‌شود. همچنین تأمین درآمد برای کسانی که به علت پیری باز نشده‌اند و نیز آنهاست که به سبب مرگ شخص دیگر از حمایت محروم مانده‌اند (طالب، ۱۳۷۰).

از نکات مهم رفاه اجتماعی، تأثیر تأمین اجتماعی بر توزیع مجدد درآمدها بین افراد است. این توزیع مجدد در کاهش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی تأثیر گذاشته و افراد آسیب دیده یا بازنشسته را از در حاشیه بودن از جهت امنیت اقتصادی مصون نگه می‌دارد.

از دیگر مزایای تأمین اجتماعی، تأثیر شگرف آن بر نقش و استحکام خانواده در سطح جامعه است، چراکه مزایای تأمین اجتماعی، در زمان محرومیت یا بیماری تکیه‌گاه محکمی برای خانواده‌ها و افراد به‌شمار می‌آید و افراد تحت پوشش می‌توانند مانند دوران فعالیت از امکانات آموزشی و خدماتی، بهداشتی و درآمد در سطح مطلوب برخوردار باشند. این امر سبب می‌شود تا کانون خانواده در سایه امنیت اقتصادی و رفاه اجتماعی دوام و استمرار یابد (اسکویی).

بررسی میزان سرمایه‌گذاری دولتها و ملل مختلف در تأمین امنیت اجتماعی در میان کشورهای پیشرفته (صنعتی) جهان بیانگر آن است که کشورهای سوئد، فنلاند، کانادا و فرانسه ۴۰ تا ۴۶ درصد از هزینه‌های عمومی خود را به بخش تأمین و امنیت اجتماعی در مقطع زمانی ۹۵ - ۱۹۹۲ اختصاص داده‌اند. در میان کشورهای در حال رشد، اروگوئه (۶۰/۶ درصد)، آرژانتین (۴۵/۸ درصد)، برزیل (۲۹/۵ درصد) و شیلی (۳۳/۳ درصد) بیشترین

سهم را در این امر داشته‌اند.

۵. اشتغال: بالا بودن سطح اشتغال در جامعه و توزیع صحیح و منطقی افراد شاغل در بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه بالا بردن قابلیت‌های فردی و تخصصی آنان از طریق آموزشهای عالی و تخصصی، افزایش تولید، درآمد و رفاه اجتماعی را در پی دارد.

دولتها در برنامه ریزیهای اشتغال‌زایی خود می‌کوشند تا با ایجاد فرصتهای شغلی در جذب بیکاران در بخشهای اقتصادی از آثار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی بیکاری جلوگیری کنند. بیکاری نه تنها بر رفاه اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه باعث کاهش سطح تولید و درآمد جامعه می‌گردد. نکته دیگر در سیاست اشتغال، برنامه‌ریزی صحیح و مدون جهت رشد و توسعه اقتصادی است که مستلزم شناخت و پژوهش نسبت به ویژگیهای نیروی انسانی و تأمین مشاغل مورد نیاز جامعه است. تأمین شغل برای تمامی افرادی که هر ساله وارد بازار کار می‌شوند و توزیع صحیح آنها بر اساس لیاقتها و شایستگیهای شغلی نسبت به نیازهای جامعه، باید پایه و اساس هر برنامه‌ریزی قرار گیرد.

امروزه اقتصاددانان توسعه معتقدند که سرمایه‌گذاری در پرورش انسان و توسعه قدرت خلاقیت و استعدادهاى بالقوه درونی، همراه با فراگیری تخصصی و مهارتهای لازم در زمینه‌های مختلف و مورد نیاز جامعه به همراه ایجاد اشتغال، به توسعه اقتصادی، اجتماعی و افزایش درآمدهای ملی منجر می‌شود. به عبارت دیگر رشد سریع ذخایر سرمایه مادی تا حدود زیادی به تمرکز سرمایه انسانی و نیروی شاغل و متخصص جامعه بستگی دارد که در حقیقت روند افزایش دانش، مهارتها و ظرفیتهای تولید و تمامی افراد کشور به شمار می‌رود (رهیافت، ش ۱۲).

نکته قابل ذکر دیگر اینکه سطح اشتغال در هر جامعه به میزان نوآوریها و اختراعات یک جامعه مربوط است که منجر به ایجاد تخصصها و مشاغل جدید می‌گردد.

امروزه سرمایه‌گذاری دولتها در امر تحقیقات توسعه‌ای، کاربردی و بنیادی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با گسترش مراکز تحقیق و توسعه و جذب استعدادهای بالقوه و پرورش مغزهای زنده و سرمایه‌گذاری در امر تحقیق بتوانند گامهای بلند و مهمی در جهت اختراعات و اکتشافات جدید بردارند.

این امر علاوه بر آنکه میزان سرمایه‌گذاریهای انجام شده را مجدداً با عنوان سرمایه جدید به جامعه بازمی‌گرداند، این امکان را به وجود می‌آورد که مشاغل جدید، تخصصها و مهارتهای جدید را برای نیروهای فعال جامعه میسر سازد، زمینه رشد و توسعه اشتغال را در سطح جامعه فراهم کند، بخشی از نیروی جوان و بیکار را جذب و با ایجاد فرصتهای شغلی جدید از آثار نامطلوب اقتصادی و اجتماعی بیکاری در بخشهای اقتصادی جامعه جلوگیری نماید.

تحلیل فرضیه‌های تحقیق

تبیین فرضیه ۱: بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری آموزشی آن رابطه معنادار وجود دارد.

در تبیین فرضیه فوق نتایج به دست آمده از معادلات رگرسیون چند متغیره جدول ۱ حاکی از آن است که در مقطع زمانی ۹۵-۱۹۹۲ ضریب همبستگی (R) کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه) ۵۲ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۲۷ درصد بوده است. برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه اول) ضریب همبستگی (R) ۷۱ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۵۱ درصد در همان مقطع زمانی محاسبه شده است. در حالی که ضریب همبستگی (R) برای کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) ۶۲ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۳۹ درصد است. و میزان ۴ محاسبه شده در تمامی محاسبات از ۴ جدول بزرگتر است، متغیر کنترلی آن - یعنی سال ۱۹۸۰ - برای تمامی محاسبات نتایج فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد. در واقع کلیه محاسبات انجام شده پیرامون متغیر مستقل (پژوهشی) و متغیر وابسته (سرمایه‌گذاری آموزشی) رابطه معناداری را بین آنها نشان می‌دهد. پس فرض H_1 تحقیق در سطح ۹۵ درصد اطمینان، مورد تأیید قرار گرفته است و می‌توان نتیجه گرفت که هر چه سطح کمی و کیفی پژوهش رسمی کشور بیشتر باشد میزان سرمایه‌گذاریهای آموزشی در جامعه افزایش خواهد یافت.

تبیین فرضیه ۲: بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری بهداشت و درمان رابطه معنادار وجود دارد.

در تبیین فرضیه فوق نتایج به دست آمده از معادلات رگرسیون چند متغیره جدول ۱ در مقطع زمانی ۹۵-۱۹۹۲، حاکی از آن است که در کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه)، ضریب همبستگی (R) ۴۹ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۲۴ درصد برآورد شده است. این ضرایب برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه اول) ۵۸ درصد (R) و ۳۴ درصد (R^2) محاسبه گردیده است. در حالی که ضریب همبستگی (R) برای کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) ۵۱ درصد (R) و ۲۶ درصد (R^2) برآورد شده است. ضرایب ۴ محاسبه شده از ضرایب ۴ جدول در تمامی معادلات آماری بزرگتر است؛ در نتیجه بین متغیرهای مستقل (پژوهش) با متغیر وابسته (بهداشت و درمان) ارتباط معنادار برقرار است. در واقع فرض H_1 تحقیق در سطح ۹۵ درصد اطمینان، مورد تأیید قرار گرفته است.

متغیر کنترلی - یعنی مقطع زمانی ۱۹۸۰ - نیز نتایج فوق را تأیید می‌کند. پس هر چه پژوهش رسمی و توسعه کمی و کیفی تحقیقات جامعه بیشتر باشد میزان سرمایه‌گذاریهای دولت در امر بهداشت و درمان افزایش خواهد یافت.

تبیین فرضیه ۳: بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری مسکن رابطه معنادار وجود دارد.

در تبیین فرضیه فوق نتایج حاصله از محاسبات رگرسیون چند

جدول ۱. محاسبات آماری برای تبیین فرضیه تحقیق

میزان ۴ جدول		میزان ۴ محاسبه شده		نرخ رگرسیون چند متغیره		ضریب همبستگی (R)		متغیرها و شاخص	
				(R^2)					
۱۹۹۲-۹۵	۱۹۸۰	۱۹۹۲-۹۵	۱۹۸۰	۱۹۹۲-۹۵	۱۹۸۰	۱۹۹۲-۹۵	۱۹۸۰		
۰/۰۲۹۰	۰/۰۸۰۷	۳/۴۷۷	۲/۴۷۳	۰/۲۷	۰/۱۹	۰/۵۲	۰/۴۴	پژوهش، سرمایه گذاری آموزشی	کل جامعه آماری
۰/۰۱۴۹	۰/۲۱۵	۴/۹۶۸	۱/۶۴۸	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۷۱	۰/۵۱	پژوهش، سرمایه گذاری آموزشی	کشورهای پیشرفته
۱/۱۵۵۸	۰/۱۸۹۰	۲/۱۶۱	۱/۸۴۴	۰/۳۹	۰/۲۹	۰/۶۲	۰/۵۴	پژوهش، سرمایه گذاری آموزشی	کشورهای در حال رشد
۰/۰۴۳۵	۰/۴۵۷۲	۳/۰۸۱	۰/۸۹۰۸	۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۴۹	۰/۲۸	پژوهش، سرمایه گذاری بهداشت	کل جامعه آماری
۰/۱۰۳۴	۰/۵۸۱۱	۲/۴۸۴	۰/۶۷۵	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۵۸	۰/۳۵	پژوهش، سرمایه گذاری بهداشت	کشورهای پیشرفته
۰/۳۵۱۱	۰/۵۴۷۱	۱/۲۳۴	۰/۷۳۹	۰/۲۶	۰/۱۴	۰/۵۱	۰/۳۸	پژوهش، سرمایه گذاری بهداشت	کشورهای در حال رشد
۰/۸۰۰۱	۰/۹۲۴	۰/۳۵۵۱	۰/۱۵۶	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۲۰	۰/۱۲	پژوهش، سرمایه گذاری مسکن	کل جامعه آماری
۰/۰۰۰۹۹	۰/۲۱۷۷	۶/۲۳۰	۱/۶۹۲	۰/۶۲	۰/۲۸	۰/۷۹	۰/۵۲	پژوهش، سرمایه گذاری مسکن	کشورهای پیشرفته
۰/۷۱۶۳	۰/۱۶۰۳	۰/۴۶۲	۲/۰۵۲	۰/۱۴	۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۵۸	پژوهش، سرمایه گذاری مسکن	کشورهای در حال رشد
۰/۰۴۱۳	۰/۰۱۹۸	۳/۱۶۴	۳/۹۳۹	۰/۲۶	۰/۳۲	۰/۵۱	۰/۵۶	پژوهش، سرمایه گذاری تأمین و امنیت اجتماعی	کل جامعه آماری
۰/۰۳۵۷	۰/۹۰۱۸	۳/۷۷۱	۰/۱۸۹	۰/۴۴	۰/۰۴	۰/۶۶	۰/۲۰	پژوهش، سرمایه گذاری تأمین و امنیت اجتماعی	کشورهای پیشرفته
۰/۸۷۲۳	۰/۶۸۶۵	۰/۲۳۱	۰/۵۰۹	۰/۰۷	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۴۰	پژوهش، سرمایه گذاری تأمین و امنیت اجتماعی	کشورهای در حال رشد
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱۵/۹۴۳	۲۱/۶۵۰	۰/۶۴	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۴	پژوهش، سرمایه گذاری اشتغال	کل جامعه آماری
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۲۳۹/۲۰۹	۲۸۸/۹۲	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	پژوهش، سرمایه گذاری اشتغال	کشورهای پیشرفته
۰/۷۶۵۴	۰/۵۳۹۳	۰/۳۸۶۶	۰/۷۶۴	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۳۳	۰/۴۳	پژوهش، سرمایه گذاری اشتغال	کشورهای در حال رشد
۰/۰۰۰۰	-	۲۳/۹۷۹	-	۰/۴۰	-	۰/۶۳	-	بازده پژوهشی - اشتغال	کل جامعه آماری
۰/۰۰۰۰	-	۱۰۸/۳۹۹	-	۰/۸۶	-	۰/۹۲	-	بازده پژوهشی - اشتغال	کشورهای پیشرفته
۰/۹۶۱۳	-	۰/۰۰۲۴	-	۰/۰۰۰۱	-	۰/۰۱	-	بازده پژوهشی - اشتغال	کشورهای در حال رشد

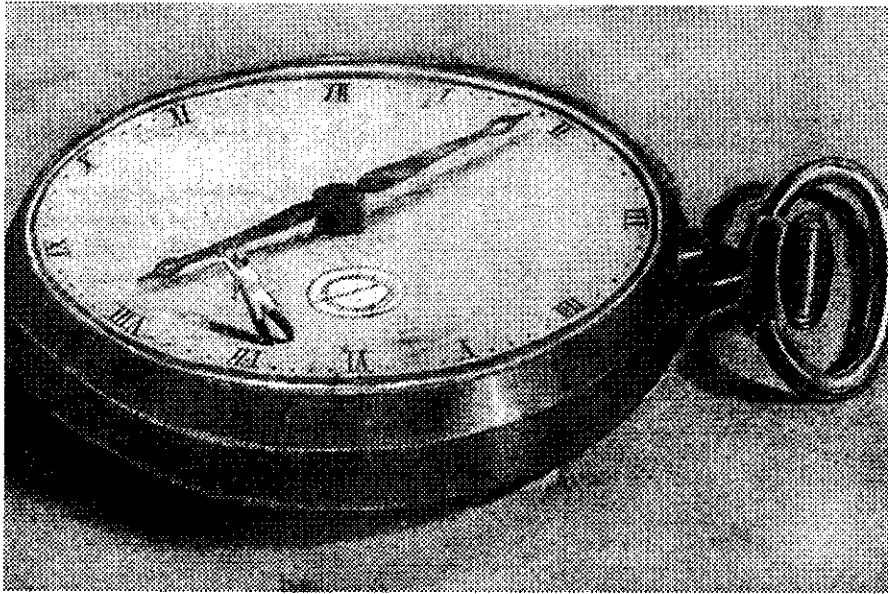
گروه نمونه اول و دوم) بزرگتر بوده و فرض تحقیق H_1 را در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت هرچه سطح کمی و کیفی پژوهش رسمی کشور بیشتر باشد درآمدهای ملی نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه بخش اضافی این درآمدها به سرمایه‌گذاری بیشتر در امر مسکن، بهبود و بهینه‌سازی محیط خانوادگی و تضمین نیاز نسل آینده برای مسکن را فراهم می‌آورد.

تبیین فرضیه ۴: بین پژوهش رسمی یک کشور با میزان سرمایه‌گذاری تأمین و امنیت اجتماعی آن رابطه معنادار وجود دارد.

در تبیین فرضیه فوق نتایج به دست آمده از محاسبات آماری رگرسیونی چند متغیره جدول ۱ در مقطع زمانی ۱۹۹۲-۹۵ نشان

متغیره جدول ۱ حاکی از آن است که در مقطع زمانی ۱۹۹۲-۹۵ کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه) ضریب همبستگی (R) ۲۰ درصد و ضریب تعیین آن (R^2) ۰/۰۴ درصد برآورد شده است. متغیر کنترل آن یعنی مقطع زمانی ۱۹۸۰، برآورد ضعیف‌تری را نشان می‌دهد. میزان ۴ محاسبه شده از میزان ۴ جدول کوچکتر است در نتیجه فرض تحقیق H_1 را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

در حالی که ضریب همبستگی (R) برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه اول) ۷۹ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۶۲ درصد برآورد شده، ضریب همبستگی (R) برای کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) ۳۸ درصد و ضریب تعیین آن (R^2) ۱۴ درصد به دست آمده است. متغیر کنترلی یعنی سال ۱۹۸۰ ضمن تأیید نتایج فوق، رابطه معناداری را بین متغیرها نشان می‌دهد. ضرایب ۴ محاسبه شده از ضرایب ۴ جدول در تمامی محاسبات آماری (دو



می‌دهد که در کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه) ضریب همبستگی (R) ۵۱ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۲۶ درصد برآورد شده است. برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه اول) ضریب همبستگی (R) ۶۶ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۴۴ درصد و برای کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) ضریب همبستگی (R) ۲۸ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۰/۰۷ درصد محاسبه شده است.

ضرایب f محاسبه شده برای کل جامعه آماری و کشورهای پیشرفته بزرگتر از ضرایب f جدول بوده و فرض تحقیق H_1 را در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تأیید می‌کند. در حالی که برای کشورهای در حال رشد، فرض H_1 تأیید نشده چرا که f محاسبه شده کوچکتر از f جدول است. متغیر کنترلی - یعنی سال ۱۹۸۰ - نیز نتایج محاسبات به عمل آمده را تأیید می‌کند. میزان f محاسبه شده کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) از f جدول کوچکتر است و فرض H_1 تحقیق را در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید نمی‌کند. در واقع رابطه معناداری بین متغیرهای کشورهای در حال رشد وجود ندارد.

این نتایج بیانگر آن است که فرضیه تحقیق H_1 در سطح ۹۵ درصد اطمینان، درباره کل جامعه آماری و کشورهای پیشرفته مبنی بر رابطه معنادار بین متغیرها مورد تأیید است. و متغیر کنترلی - یعنی سال ۱۹۸۰ - نیز نتایج محاسبات به عمل آمده را تأیید می‌کند. میزان f محاسبه شده کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) از f جدول کوچکتر است و فرض H_1 تحقیق را در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید نمی‌کند. در واقع رابطه معناداری بین متغیرهای کشورهای در حال رشد وجود ندارد.

نتیجه قابل توجه این آزمونها میزان همبستگی و رابطه بسیار قوی و معناداری است که بین متغیرهای مستقل (پژوهش) و متغیر وابسته (اشتغال) در کشورهای پیشرفته وجود دارد و برای کل جامعه آماری این رابطه در سطح مناسبی حاصل شده است.

تبیین فرضیه ۶: بین میزان اختراعات و نوآوریها (بازده پژوهش) با میزان اشتغال در آن جامعه رابطه معنادار وجود دارد.

در تبیین فرضیه فوق و نتایج به دست آمده از معادلات رگرسیونی دو متغیره جدول ۱ در خصوص دو شاخص اشتغال (متغیر وابسته) و اختراعات یعنی بازده پژوهشی (متغیر مستقل) در مقطع زمانی ۱۹۹۴، بیانگر این واقعیت است، که ضریب همبستگی (R)

در کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه) ضریب همبستگی (R) ۵۱ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۲۶ درصد برآورد شده است. برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه اول) ضریب همبستگی (R) ۶۶ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۴۴ درصد و برای کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) ضریب همبستگی (R) ۲۸ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۰/۰۷ درصد محاسبه شده است. ضرایب f محاسبه شده برای کل جامعه آماری و کشورهای پیشرفته بزرگتر از ضرایب f جدول بوده و فرض تحقیق H_1 را در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تأیید می‌کند. در حالی که برای کشورهای در حال رشد، فرض H_1 تأیید نشده چرا که f محاسبه شده کوچکتر از f جدول است. متغیر کنترلی - یعنی سال ۱۹۸۰ - تمامی معادلات، نتایج به دست آمده را مجدداً مورد تأیید قرار می‌دهد. این امر حاکی از آن است که کشورهای پیشرفته علاوه بر توجه به رشد کمی و کیفی پژوهش، توجه وافری به امر تأمین و امنیت اجتماعی و سرمایه گذاری در این خصوص داشته‌اند.

نتایج فوق بیان کننده این مطلب است که کشورهای در حال رشد نسبت به سرمایه گذاری فوق روندی نزولی داشته‌اند. در حالی که کشورهای صنعتی در مقطع زمانی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۲-۹۵، درصد مهمی از هزینه‌های عمومی خود را صرف این امر (سرمایه گذاری امنیت و تأمین اجتماعی) کرده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد. رشد کمی و کیفی پژوهش در هر جامعه با افزایش درآمدهای ملی مرتبط است که بخش مهمی از این درآمدها در زمینه تأمین و امنیت اجتماعی هزینه می‌گردد.

تبیین فرضیه ۵: هرچه سطح کمی و کیفی پژوهش رسمی در یک کشور بیشتر باشد میزان اشتغال آن جامعه بیشتر خواهد بود.

معادلات رگرسیونی جدول ۱ بیانگر این واقعیت است که در مقطع زمانی ۱۹۹۴ ضریب همبستگی (R) در کل جامعه آماری

۶۳ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۴۰ درصد برای کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه) به دست آمده است. برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه اول) ضریب همبستگی (R) ۹۲ درصد و ضریب تعیین (R^2) ۸۶ درصد و برای کشورهای در حال رشد (گروه نمونه دوم) ضریب همبستگی (R) ۰/۰۱ درصد و ضریب تعیین ۰/۰۰۰۱ درصد برآورد شده است. ضرایب f محاسبه شده از ضرایب f جدول برای کل جامعه آماری و کشورهای پیشرفته بزرگتر است و فرض تحقیق H_1 را در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تأیید می‌کند.

در کشورهای در حال رشد f محاسبه شده از f جدول کوچکتر است و فرض H_0 تحقیق را تأیید می‌کند.

این نتایج بیانگر آن است که کشورهای پیشرفته به سرمایه‌گذاری در واحدهای تحقیق، توسعه و اختراعات و نوآوریها توجه وافر داشته‌اند که بخشی از این اختراعات به کسب درآمدهای بالا و بخش دیگر در ایجاد فرصتهای شغلی جدید و ایجاد تخصصها و مهارتها منجر می‌شود.

نتایج

تأثیر قابل قبول و معنادار نظام پژوهشی (سطوح آن) بر شاخصهای اجتماعی (پنج فرضیه فرعی) کاملاً مشهود است. در حقیقت رابطه مستقیم و معنادار با فرض ۹۵ درصد اطمینان در اکثر آزمونهای فوق بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مشاهده شده و اثبات شده است. در واقع توسعه اجتماعی (بهبود کمی و کیفی شاخصهای اجتماعی) از فرایند فعالیتهای تحقیقاتی و نظام پژوهشی کشورها متأثر است. هرچه نظام پژوهشی از سیستم عقلانی و حساب شده تری برخوردار باشد، توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود و افراد جامعه از رشد کمی و کیفی رفاه اجتماعی برخوردار خواهند شد.

فرضیات فوق، ادعاها را نسبت به این موضوع ثابت می‌کند. به عبارت دیگر کشورهای صنعتی با نظامی ارگانیکی، منسجم و هماهنگ در کل سیستم پژوهشی، از وضعیت مطلوبتر اجتماعی برخوردارند. پس می‌توان ادعا کرد کشورهای صنعتی با انتخاب شیوه‌های عقلانی و تفکر سیستمی بر ساختار نظام پژوهشی و درک درست و متقابل بین نیازهای اجتماعی (سطوح رفاه اجتماعی) با نظام پژوهشی (سطوح آن) توانسته‌اند رشد و پیشرفت چشمگیری در زمینه شاخصهای اجتماعی و بهبود و بهسازی سطح زندگی اجتماعی مردم داشته باشند.

همچنین تأثیر اختراعات و نوآوریها (بازده پژوهشی) یا متغیر مستقل بر میزان اشتغالزایی (متغیر وابسته) جامعه در سطح بسیار قوی برای کشورهای پیشرفته (گروه نمونه دوم) کاملاً مشهود و نمایان است. این رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته در کل جامعه آماری (۴۰ کشور نمونه) در سطحی مطلوب مورد تأیید قرار گرفته است. در حالی که به علت ضعف کشورهای در حال

رشد (گروه نمونه دوم) در امر اختراعات و نوآوریها (فعالیتهای پژوهشی) این رابطه معنادار مورد تأیید قرار نگرفته است. در نتیجه کشورهای پیشرفته در واحدهای تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری به طور جدی به این مسئله توجه کرده‌اند و با برنامه‌ریزیهای صحیح و درست توانسته‌اند در زمینه اختراعات و نوآوریهای شگفت‌آور، توسعه مشاغل (اشتغالزایی)، تخصصها و مهارت جدید، زمینه به‌کارگیری نیروهای مستعد و لایق را در این امر فراهم نمایند. در واقع بازده این بخش از پژوهش مبارزه با معضل بیکاری است که به‌مثابه نقصانی برای فعالیتهای اقتصادی به‌شمار می‌رود.

پیشنهادات

۱. توسعه فعالیتهای پژوهشی و اصلاح ساختار نظام تحقیقاتی کشور، سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در واحدهای تحقیق و توسعه؛
۲. سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر دولت در سطوح شاخصهای اجتماعی (رفاه اجتماعی)؛
۳. سرمایه‌گذاری در تربیت نیروی انسانی و توسعه قدرت خلاقیت و استعدادهای بالقوه افراد جامعه به‌منزله نیروهای پژوهشگر و محقق و به‌کارگیری آنان در نظام تحقیقاتی خصوصاً در واحدهای تحقیق و توسعه؛
۴. بالا بردن قدرت خرید واقعی جامعه به منظور برخورداری از امکانات مناسب و سطح زندگی مطلوب و قابل قبول برای افراد جامعه (توسعه منابع انسانی)؛
۵. برقراری تعادل بین مناسبات پژوهشی با نیازهای حال و آینده اقتصادی و اجتماعی جامعه.

منابع و مأخذ

- گزارش: شهرک علمی - تحقیقاتی اصفهان، گزارش فاز صفر، معاونت پژوهشی دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۷۲.
- اسکویی، فریدون، جزوه درسی رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۱۹۹۷.
- ساروخانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲.
- ساخاروبولوس، جرج و ودهال، مورین، آموزش برای توسعه، مترجمان پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
- گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۱۳۷۲.
- رهیافت، شماره ۱۲، ۱۳۷۴.
- اسکویی، فریدون، جزوه درسی رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی، تأمین اجتماعی، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.